



رویکرد فقه پویا در تحلیل ماهیت حقوق مالکیت های فکری و مشروعیت آن

پدیدآورنده (ها): افتخاری، سیدرضا

فقه و اصول :: نشریه فقه و تاریخ تمدن :: تابستان ۱۳۹۱، سال نهم - شماره ۲ (علمی-پژوهشی/ISC)

صفحات: از ۳۳ تا ۶۰

آدرس ثابت: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1100390>

تاریخ دانلود: ۱۴۰۲/۰۷/۲۹

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- ماهیت ملک و مالکیت در اموال فکری با رویکردی به نظر امام خمینی (س)
- مبانی فقهی و حقوقی مالکیت فکری با معنوی
- تحلیلی در مبانی فقهی مشروعیت مالکیت فکری (در فقه شیعه و فقه اهل سنت)
- مشروعیت و مالیت شرعی حقوق معنوی
- انتقال حقوق مالکیت فکری در حوزه ادبی - هنری (حق مؤلف) در فقه امامیه و حقوق ایران
- بررسی تطبیقی مبانی مالکیت فکری در حقوق و فقه امامیه
- ولایت مطلقه فقیه در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه ای
- نقش و جایگاه احزاب سیاسی در حکومت اسلامی
- مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ نتیجه ی عقلانیت حاکم بر سیره ی امام خمینی (ره)
- مقایسه حق ازدواج زن در اسلام و اسناد حقوق بشر
- معنا و مبنای وکالت پارلمانی
- خبرگان و شرایط رهبری

عناوین مشابه

- تحلیل موارد نقض مالکیت فکری توسط گردشگران در سفرهای گردشگری فضایی؛ نحوه مقابله و شیوه های جبران خسارت آن از منظر حقوق بین الملل
- بازپژوهشی مبانی مشروعیت تغییر جنسیت با رویکرد قرآنی - روایی و آثار آن در آموزه های حقوق کیفری
- تحلیل استنادی و ترسیم ساختار تولیدات علمی جهانی در حوزه حقوق مالکیت فکری در میان سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰
- تبیین ماهیت و چیستی بازار فارکس و بایسته های آن در فقه و حقوق ایران
- تحلیل ماهیت حقوقی و مشروعیت تنزیل اسناد تجاری بر مبنای ماهیت بسیط و مرکب در فقه و اندیشه های حقوقی
- ماهیت حقوق مالکیت فکری و نقش آن در حقوق اموال
- اجاره سهام در بازار سرمایه و تحلیل آن بر مبنای ماهیت سهام از منظر فقه و حقوق
- جایگاه قواعد حقوق عمومی و خصوصی در تحلیل ماهیت تملک اراضی و آثار ناشی از آن در رویه قضایی انگلیس و ایران
- ماهیت توبه و شرایط آن در فقه امامیه و حقوق ایران و نقش آن در اسقاط حدود
- مفاهیم قبض و اقباض، معوض و غیرمعوض و آثار آن در حقوق و فقه امامیه با رویکرد نوین

دکتر سیدرضا افتخاری*

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد

رویکرد فقه پویا در تحلیل ماهیت حقوق مالکیت‌های فکری و مشروعیت آن

چکیده

بیش از یک قرن از تدوین و تصویب قوانین و کنوانسیون‌های مربوط به قانونی شدن حمایت از حقوق فکری می‌گذرد. اگرچه در عمل قوانین ملی و بین‌المللی در جهت حمایت از مالکیت‌های فکری تدوین و تصویب شده و دلایل فراوانی در مشروعیت این حقوق و لزوم حمایت قانونی از صاحبان آنها آورده‌اند، اما هنوز کشورهای مختلف رویه‌ها و رویکردهای متفاوتی در قبال آن دارند و میان صاحب نظران حقوق نیز در ارتباط با مشروعیت و ضرورت این قوانین اختلاف نظر وجود دارد. برخی قویاً در اثبات آنها و برخی در جهت عدم مشروعیت این نوع مالکیت استدلال می‌کنند. بالطبع حقوق اسلامی با نگره‌ها و اصول اجتهادی و فقه‌ای خاص خود به تحلیل پرداخته و در مورد مشروعیت یا عدم مشروعیت آنها سخن می‌گوید.

در این مقاله نخست به تعریف و تحدید انواع این حقوق و زمینه‌های پیدایش هر یک پرداخته می‌شود و مشروعیت و جایگاه حقوق فکری و ضرورت یا عدم ضرورت حمایت از آنها به ویژه در دو مقوله حق طبع و حق اختراع از

دید صاحب نظران حقوق غربی نیز به اختصار مورد بررسی قرار خواهد گرفت. موضوع اصلی بحث تحلیل فقهی مفهوم و ماهیت حقوق فکری است. ابتدا دیدگاه‌های فقها را به بحث گذاشته و سپس رویکرد حقوق اسلامی را در جهان امروز در این زمینه مرور خواهیم کرد. با توجه به قوانین متحدالشکل بین‌المللی و ارتباط جوامع با یکدیگر که مبادلات علمی و فرهنگی و تجاری و صنعتی را دربرمی‌گیرد نوع نگاه و رویه عملی حقوق اسلامی به حقوق ناشی از مفاد این مبادلات به ویژه در قالب حقوق موضوعه اهمیت می‌یابد. در پایان به مسائل نظری و ضرورت‌های عملی این بحث اشاره خواهیم داشت.

واژگان کلیدی:

حقوق فکری، مالکیت معنوی، ادله فقهی، حقوق اسلامی



مقدمه

مالکیت معنوی و به تعبیر مناسب‌تر «مالکیت فکری» و حقوق مربوط به آن^۱ در معنای گسترده خود کلیه حقوق قانونی ناشی از نوآوری فکری در مقوله‌های صنعت، علوم، ادبیات، هنر، و رایانه را شامل می‌شود.^۲ مالکیت فکری مفهومی است گسترده که انواع حقوق قانونی برآمده از نوآوری فکری یا اموری را که به نوعی با اندیشه و فکر ارتباط دارند شامل می‌شود. حقوق مالکیت فکری حقوق تعلق گرفته به امور غیر ملموس هستند، از آرا و عقاید مکتوب یا ابرازشده گرفته تا اندیشه‌هایی که به کاربرد عملی منتج شده‌اند (Kinsella, 2001: 3).

حقوق مالکیت فکری حقوق مالکانه نسبت به امور ذهنی و معنوی است که از اشیای مادی که تجلی مادی و محسوس آنها محسوب می‌شوند متمایز هستند (Palmer, 1990: 820-821).

پس از گذشت بیش از یک قرن از زمان تدوین اولین کنوانسیون مربوط به حقوق فکری^۳ هنوز حقوقدانان در نوشته‌های خود می‌پرسند که آیا برای آفرینش‌های فکری نظیر اختراعات و نوشته‌ها حقوقی فردی وجود دارد، و آیا نظام حقوقی مکلف به حمایت از این حقوق است؟ (Kinsella, 2001: 7).

بر همین منبنا بحث از مشروعیت این حقوق و لزوم حمایت‌های قانونی از آنها نه تنها از نظر فقه اسلامی که از دید حقوق غربی نیز موضوعیت دارد. چشم‌انداز کلی در حوزه تفکر حقوقی گویای آن است که با وجود تصریح کنوانسیون‌های بین‌المللی به وجود چنین حقوق مالکانه و انحصاری، قواعد موجود در حقوق کشورها بیشتر تابعی از آرا و نظریه‌های قضایی و رویکرد بین‌المللی است تا محصول تحلیل‌های حقوقی مبتنی بر اصول سنتی و دیرین حقوق.

۱. Intellectual Property با کلمه اختصاری IP و نیز Intellectual Property Rights

۲. کتاب راهنمای سازمان جهانی حقوق فکری (WIPO Intellectual Property Handbook) فصل اول، ماده

۱-۱

۳. قدیمی‌ترین سند بین‌المللی در این زمینه کنوانسیون پاریس در خصوص حمایت از حقوق صنعتی در ۲۰ مارچ

۱۸۸۳ م و به دنبال آن کنوانسیون برن در زمینه حمایت از آثار ادبی و هنری است که در ۹ سپتامبر ۱۸۸۶ م، تدوین

گردید.

دقت و تأمل در این مصطلحات و متعلق آن که موضوع این بحث است ما را به این نتیجه می‌رساند که آنچه برای نامیدنش از این کلمات استفاده می‌کنیم در حقیقت نفس مفهوم مالکیت نیست بلکه حقوق ناشی از آن است. طبیعی‌ترین حق ناشی از مالکیت برخورداری مالک یک شیء از حمایت قانونی و امنیت از تعرض غیر است. حمایت قانون و ضمانت‌های اجرایی آن از مالکیت خصوصی افراد هیچ منافاتی با حقوق دیگران ندارد و تعارضی هم ایجاد نمی‌کند، نکته‌ای که در تحلیل مالکیت‌های فکری محل مناقشه بوده و بسیار اهمیت دارد و در نگاه حقوق اسلامی هم مغفول نمانده است. عمده بحث‌ها و اختلاف‌نظرها در مورد این حقوق بر پایه همین اصل قرار دارد.

فقه اسلامی که در مقام تحلیل پدیده‌های نوین بر منطق حقوقی و اصول فقهی تکیه می‌کند و در بسیاری از جوامع اسلامی جوهر قواعد حقوق را تشکیل می‌دهد در تحلیل حقوقی مالکیت همچون سایر مکاتب حقوقی مالکیت بر اشیای مادی و به عبارتی «اعیان» را به عنوان حقوق قابل حمایت و انحصاری برای افراد مشروع می‌شناسد. از ادبیات حقوقی موجود و برخی فتاوی پراکنده فقهای امامیه چنین برمی‌آید که حقوق مالکیت فکری همان‌گونه که در حقوق مدرن و در تفکر حقوقی معاصر، به ویژه در دو حوزه حق تکثیر و حق اختراع محل مناقشه و اختلاف نظر است (همان‌جا). در حقوق اسلامی نیز اختلاف نظر و دیدگاه و بلکه چون و چرا در مورد آن به چشم می‌خورد.

در این مقاله درصدد هستیم تا با استناد به اصول فقهی و مرور دیدگاه‌های فقهای عظام رویکرد حقوق اسلامی را در تحلیل ماهیت و مشروعیت حقوق فکری، به امید دست یافتن به مبانی فقهی مشروعیت یا عدم مشروعیت آنها بررسی نماییم و با ورود به بحث مصداقی در انواع حقوق فکری و جایگاه آن در سیستم‌های حقوقی گوناگون از جمله در کشورهای اسلامی از رویکرد حقوقی مبتنی بر ضرورت حمایت از این حقوق سخن بگوییم.

تنوع و گستره حقوق فکری

در ادبیات حقوقی امروز حقوق فکری به لحاظ دسته بندی‌های مرسوم حقوقی در چهار گروه حق طبع و تکثیر، حق اختراع، اسرار تجاریف و علایم تجاری قرار گرفته‌اند، ولی از نظر مصداقی گستره بسیار متنوع یافته و به دنبال آن بحث‌ها و تحلیل‌های

حقوقی و علمی دور و درازی را پدید آورده‌اند. این گستره متنوع حقوق گوناگونی از مصادیق سنتی کپی رایت گرفته تا فرمول‌های دارویی، شیوه‌های تجاری، دانش مدیریت، اطلاعات و فایل‌های خصوصی مشتریان، مهندسی ژنتیک، تحقیقات بیوتکنولوژیک، موزیک دیجیتال، حق امتیازهای ورزشی، و حتی مالکیت طلق داده‌های کامپیوتری را در بر گرفته‌اند. حقوق فکری از محدود حوزه‌های علم حقوق است که به سرعت در حال تحول و تبدیل شدن به یکی از مهم‌ترین زمینه‌های قانونگذاری ملی و بین‌المللی است. در عین حال در مباحث فقهی و حقوقی ایران همسان تحولات و بحث و جدل‌های جوامع علمی مشهور دنیا به آن پرداخته نشده است. نویسندگان فرهنگ فقه، مطابق مذهب اهل البیت (ع)، حقوق معنوی را تحت عنوان امتیازات غیر مادی نظیر حق تألیف و حق اختراع دانسته و گفته‌اند: «به حقوقی که متعلق آنها امور اعتباری و معنوی است، حقوق معنوی اطلاق می‌شود مانند حق طبع (تکثیر و چاپ اثر)، حق اختراع، حق امتیاز انتشار روزنامه و مجله، حق استخراج معدن و حق امتیاز آب، برق، گاز و تلفن» (هاشمی شاهرودی و دیگران، ۱۴۲۶: ۳/۳۴۲).

مقایسه حقوق فکری با امتیازها و اولویت‌های قانونی همچون امتیاز انتشار روزنامه و مجله و امتیاز برق و آب و مانند آن صرفاً به دلیل تشابه آنها به یکدیگر ناشی از عدم وجود بحث علمی و فقهی عمیق در باب این حقوق است. در حقوق فکری سخن از مالکیت بر تولید علمی و فکری و هنری و صنعتی است که محصول و مخلوق تلاش و فعالیت ذهنی هستند حال آنکه امتیازها و حقوق اعتباری مانند امتیاز انتشار روزنامه و حق بهره برداری از معدن و امتیاز آب و امثال آن صرفاً امتیازهای اعتباری و مجوزهای موقتی هستند که سنخیتی با حقوق فکری به معنای یاد شده ندارند و به هر شخص حقیقی یا حقوقی فارغ از ممیزات فکری تعلق می‌گیرند. قبل از ورود به بحث اصلی مروری بر انواع تعریف شده حقوق فکری مناسب به نظر می‌رسد.

۱. حق طبع و تکثیر^۱

حق تکثیر که در ادبیات حقوقی ما با عناوینی همچون حق طبع، حق کار فکری و مالکیت فکری و هنری (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۷: ۲۲۴ و ۵۹۹)، حق مؤلف (امانی، ۱۳۸۷: ۲۴) و

گاهی با واژه عام مالکیت معنوی از آن یاد شده است، به حقی گفته می‌شود که به نویسندگان [و پدیدآورندگان] آثار دست اول نظیر کتاب، مقاله، فیلم و برنامه‌های رایانه‌ای اختصاص می‌یابد (Kinsella, 2001: 4).

کتاب راهنمای سازمان جهانی مالکیت فکری حق طبع را آن بخش از حقوق فکری می‌داند که به بحث از حقوق آفرینندگان آثار فکری می‌پردازد. آفرینش‌های فکری موضوعات گوناگونی از جمله آثار ادبی و هنری (کتاب، شعر، نقاشی، پیکره، و...) و تولیدات رسانه‌ای (فیلم، موسیقی، برنامه تلویزیونی) و انواع برنامه‌های رایانه‌ای را شامل می‌شود که تمامی آنها مشمول قوانین حمایتی مالکیت فکری واقع می‌شوند.^۱ حق طبع که امروزه بسیار توسعه یافته مجموعه‌ای از امتیازات انحصاری است با هدف حمایت از پدیدآورنده اثر و مستثنی کردن دیگران از بهره برداری از اثر ادبی یا هنری با تأکید بر این نکته که حق مزبور نوعی مالکیت با همان آثار مالکیت بر اشیای مادی و ملموس محسوب می‌شود (Balganesh, 2009: 1129).

حق مزبور درست در لحظه خلق اثر برای پدید آورنده ایجاد می‌شود و تا زمانی که وی در قید حیات است از بین نمی‌رود (Kinsella, 4).

۲. حق اختراع^۲

حق اختراع ثبت و اختصاص یافتن حقوق انحصاری بهره برداری از یک اختراع است (Oxford, 1997: 333). در ادبیات حقوقی آمریکا حق اختراع به مفهوم حقوق مالکانه فرد نسبت به اختراع خویش است؛ اختراع مزبور باید لزوماً ابزار یا فرآیندی باشد که کارکرد سودمندی داشته باشد (Kinsella, 5).

حق اختراع به عنوان امتیاز انحصاری فقط به اختراعی تعلق می‌گیرد که جدید، بدیع و در عین حال دارای کاربرد صنعتی باشد (باقری و گودرزی، ۱۳۸۸: ۴۴). حق اختراع برخلاف حق مؤلف به مجرد آفرینش یا اکتشاف صنعتی به صاحب آن تعلق نمی‌گیرد، بلکه حق مزبور پس از ثبت اختراع در دفتر ثبت اختراعات ایجاد خواهد شد. دوره زمانی دوام حق اختراع در اکثر کشورهای دنیا از جمله آمریکا بیست سال از تاریخ ثبت آن است.

^۱.WIPO Intellectual Property Handbook

^۲.Patent

کنونسیون پاریس سال ۱۸۸۳ م در زمینه مالکیت‌های صنعتی و حق اختراع ناظر به حق بهره برداری صاحبان اختراعات صنعتی با توجه به توسعه روزافزون جوامع صنعتی و گسترش تولید بود. در حال حاضر در نتیجه تحولات شگرف علمی و موج عظیم و رو به گسترش تحقیقات در دانش‌های گوناگون موضوع حمایت‌های قانونی از اختراعات و اکتشافات علمی به یکی از چالش‌های بزرگ نظام‌های حقوقی تبدیل شده است. پیشرفت‌های علمی، اقتصادی و تحوّل شیوه‌های قانونگذاری دانشگاه‌ها و دیگر مراکز علمی و تحقیقاتی را بر آن داشته است تا تولیدات علمی به ویژه آن گروه از اکتشافات را که نتیجه سرمایه‌گذاری‌های دولتی است مشمول قوانین حمایتی حق اختراع قرار دهند (Lee, 2004: 661).

۳. اسرار تجاری^۱

سرّ تجاری هر نوع فرمول، ابزار یا اطلاعات محرمانه است که به دارنده آن امتیاز حضور و رقابت در بازار را مادام که سرّ مزبور مکتوم مانده است، می‌دهد.^۲ اسرار تجاری ممکن است حاوی اطلاعاتی باشد که نه آنقدر خلاقانه است که مشمول قوانین حمایتی حق اختراع واقع شود و نه آفرینش هنری و ادبی محسوب می‌گردد که تحت عنوان حق طبع و تکثیر قرار گیرد (Kinsella, 5)، ولی به هر حال قوانین حمایتی آن بر این مبنا وضع شده است تا راه را بر هر گونه سوء استفاده از اسرار تجاری بسته یا پرداخت خسارات ناشی از چنین سوء استفاده‌ای را تضمین نماید. برای آن‌که مجموعه‌ای از اطلاعات در زمره اسرار تجاری محسوب شوند سه شرط در آنها باید رعایت شده باشد. نخست آن‌که حاوی امتیاز رقابت آفرینی برای دارنده آن باشند؛ دوم آنکه اطلاعات به نحوی که عرفاً شایسته است حفاظت شده باشند؛ و شرط سوم آن‌که اقدامات مؤثری برای حفاظت از آن اسرار انجام شده باشد (السان، ۱۳۸۷: ۲).

^۱.Trade Secret

^۲. قانون متحد الشكل اسرار تجاری (UTSA) Uniform Trade Secret Act موجود در آدرس زیر:
<http://nsi.org/Library/Spionage/utsa.htm>

۴. علایم تجاری^۱

علامت تجاری نشانگان (سمبل) منحصر به فردی است که محصولات خاص یک تولیدکننده را برای عموم مردم متمایز جلوه می‌دهد. نشانگان مزبور ممکن است طرح، واژه یا ترکیبی از این دو باشد (Oxford, 470).

واژگان یا نشانگانی که علامت تجاری محسوب می‌شود معمولاً ابزاری است برای معرفی منبع و منشأ تولید کالا که کالا و محصول مزبور را از دیگر کالاها و محصولات متمایز می‌سازد (کینزلا، همان: ۶). علامت تجاری همچون حق اختراع برای برخورداری از حمایت‌های قانونی و حق انحصاری مالک آن باید در دفاتر ثبت اختراع به ثبت رسیده باشد.

تاریخچه و زمینه حقوق فکری

مطالعات تاریخی نشان می‌دهد تمایل انسان‌ها برای کسب حقوق فکری آثار تولید شده تجاری و هنری از روزگار کهن وجود داشته است. به ویژه موضوع حمایت از این حقوق و احترام به آن در منطقه خاور میانه قدمت تاریخی دارد (Raslan, 2007: 499). این گرایش البته ناظر به تولیداتی بود که از مرحله ایده به مرحله خلق و بهره برداری رسیده و پدیدآورندگان بیشتر به منظور معرفی خود نام و نشان خود را بر روی آن آثار حک می‌کردند. برخی نمونه‌های موجود در تاریخ فرهنگ اسلامی به عنوان سابقه‌ای از تأیید حقوق فکری به ویژه حق طبع و نشان تجاری در نوشته‌های حقوقی عنوان شده است. گفته می‌شود در عصر گسترش علوم و هنر در ممالک اسلامی، خلفا کتاب‌هایی را که مهم تشخیص می‌دادند خریداری می‌کردند، و پس از پرداخت مبلغی به عنوان حق الزحمه نویسندگان کتاب‌ها از روی آنها نسخه‌های متعدد تهیه و در کتابخانه‌ها نگهداری می‌کردند (Khouri, 2003: 249).

در اسناد بین‌المللی آمده است که «صنعت کاران هندی در ۳۰۰۰ سال پیش امضای خود را بر بدنه آثار هنری که به ایران می‌فرستادند حک می‌کردند. علایم تجاری تولیدکنندگان چینی بر روی کالاهایی که در ۲۰۰۰ سال پیش در منطقه مدیترانه به فروش می‌رساندند به چشم می‌خورد. در مقطعی از تاریخ در قلمرو امپراتوری روم حدود

^۱.Trade Mark

هزار علامت تجاری در سفالگری استفاده می‌شد که یکی از آنها نشان FORTIS بود که آنقدر مشهور شده بود که مورد تقلید قرار گرفت.^۱

اگرچه اصطلاح حقوق مالکیت فکری از قرن نوزدهم متداول شد اما اشکال گوناگون این نوع مالکیت از زمان‌های دور وجود داشته و برخی از منابع تاریخی از سابقه صدها و بلکه هزاران ساله آن سخن گفته‌اند (Nguyen&Maine, 2011: 105).

از نظر تاریخی در اروپا و آمریکا حمایت قانونی از مالکیت‌های فکری همواره به عنوان بخشی از سیاست‌گذاری عمومی دنبال شده است. از قرن چهاردهم و پانزدهم میلادی به این سو، سیاست‌های حقوقی مزبور بر ضوابط مربوط به انتقال و انتشار انواع فناوری متمرکز بوده است (Sell, 2004: 272-273).

چالش اصلی قرون بعدی و یکی از موضوعات مورد اختلاف موافقان و مخالفان حقوق مالکیت فکری، ایجاد تعادل میان منافع عمومی و منافع خصوصی ناشی از آثار فکری بود. در حالی که توجیهات فراوانی برای وضع قوانین حمایت از مالکیت فکری وجود داشته است، کشمکش اصلی میان دو مقوله حق مؤلف و حق اختراع از یک سو و مفاهیم انگیزه برای خلق و نوآوری و آزادی اطلاعات از سوی دیگر، در گرفته بود. تحول مفهوم حقوق فکری به سوی قواعد نظام‌مند حقوقی برای حمایت از آثار فکری و علمی در حقیقت از اوایل قرن هیجدهم شروع شد و جامعه اروپایی به طور عام و فرانسویان به طور خاص به حقوق ناشی از آثار مزبور و لزوم حمایت از آنها توجه نشان دادند. صاحب نظران محافل ادبی انگلیس، فرانسه و آلمان بعدها از حقوق نویسندگان تحت عنوان «حقوق مالکانه انحصاری، ابدی و زوال ناپذیر» یاد کردند (Sell, Ibid: 270).

آنچه به نام حقوق فکری می‌شناسیم در مقوله اجتهاد فقهی از مسائل مستحدثه محسوب می‌شود که در جای خود به برخی از استفتاءات مربوط به آن اشاره خواهیم کرد. برخی از نویسندگان حقوقی نیز که در مقام دفاع از حقوق فکری به عنوان حقوق مالکانه از منظر فقه و شریعت به تحلیل مسأله و استدلال پرداخته‌اند صرفاً بر ادله کلی عقلی و عموم برخی قواعد و احکام فقهی و پاره‌ای فتاوی تکیه کرده‌اند (امیدی فرد، ۱۳۸۵: ۴۵-۴۸؛ امانی، ۱۳۸۷: ۳۶؛ Raslan, ۲۰۰۷: ۵۱۷-۵۱۴) و حاصل این تحلیل‌ها تنها استنباط کلی

^۱.WIPO Intellectual Property Handbook, 2: 315

مشروعیت این حقوق بوده است؛ حال آنکه گروهی معتقدند ظاهر ادله و عموم مورد استناد طرفداران مشروعیت مالکیت فکری گویای عدم مشروعیت این نوع حقوق از منظر فقه اسلامی است. با وجود دیدگاه‌های متفاوت در این زمینه و صدور فتاوی صریح از سوی برخی علمای سنی و شیعه در نفی مشروعیت حقوق فکری ضرورت‌های حقوقی و اقتصادی و تأکید کنوانسیون‌های بین‌المللی بر همکاری دولت‌ها در حمایت از حقوق صاحبان آثار فکری و علمی، بسیاری از دولت‌های اسلامی به این کنوانسیون‌ها پیوسته و همگام با نظام‌های حقوقی غربی به قانونگذاری در زمینه مالکیت‌های فکری پرداخته‌اند.^۱

مالکیت فکری در حقوق اسلامی

پیش از ورود به بحث درباره موضوع اصلی مقاله، ضروری است مفهوم و ابعاد مالکیت و مفهوم رایج مال در حقوق اسلامی را مرور کنیم تا به زمینه‌ای منطقی برای بحث از مشروعیت حقوق فکری دست یابیم. آدمی همان‌گونه که مالک اموال مادی خویش است بر جسم و ذهن خود نیز مالک است. همان‌گونه که منافع اعیان مادی را می‌تواند استیفا نماید منافع حاصل از تلاش ذهنی و جسمی‌اش نیز ارزشمند و متعلق به او است. اگر فردی کتابی نوشت یا تابلو نفیسی خلق کرد، بر اصل آن مالکیت داشته و می‌تواند هر دخل و تصرفی در آن انجام دهد؛ مثلاً کتاب یا تابلو را به فروش برساند. مشکل از آنجا شروع می‌شود که برای خالق تابلو یا کتاب حقوقی اضافه بر این‌ها قایل شویم و به او اجازه دهیم دیگران را از تقلید از نقاشی و یا نسخه برداری و استفاده از مطالب کتاب به هر شکل که بخواهند منع نماید. در اموال مادی وقتی فرد مال را به دیگری انتقال می‌دهد، هم اصل مال و هم منافع آن از اختیار وی خارج شده و هیچ‌گونه حقوقی برای او متصور نیست. در انتقال منافع نیز انتقال گیرنده هر طور که بخواهد منافع را استیفا

^۱ از جمله کشورهای اسلامی که در پیوستن به کنوانسیون‌های حمایت از حقوق فکری پیش‌قدم بوده‌اند تونس (کنوانسیون پاریس ۱۸۸۴ م و برن در ۱۸۸۷ م)؛ مراکش (پاریس ۱۹۱۷ م، برن ۱۹۱۷ م)؛ لبنان (پاریس ۱۹۲۴ م، برن ۱۹۴۷ م)؛ و مصر (پاریس ۱۹۵۱ م، برن ۱۹۷۷ م) را می‌توان نام برد. هزاره جدید نیز شاهد پیوستن برخی از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به این کنوانسیون‌ها بود از جمله قطر در سال ۲۰۰۰ م، عربستان سعودی ۲۰۰۴ م، و یمن در ۲۰۰۷ م. جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر در کنوانسیون پاریس (از ۱۹۵۹ م) عضویت دارد و در سال ۱۹۹۹ و نیز در سال ۲۰۰۳ م موافقت‌نامه مادرید را امضا کرده و در سال ۲۰۰۶ م به موافقت‌نامه لیسبون پیوسته است. برای اطلاعات بیشتر رک. به پایگاه: <http://www.wipo.int/treaties/en/general>

می‌نماید و مالک عین حق محدود کردن او را ندارد. قوانین مالکیت فکری خریدار تابلو و کتاب را فقط مالک وجود مادی (کاغذ، جلد، رنگ، و...) می‌داند و به او اجازه تکثیر و فروش کتاب، یا کپی کردن از روی نقاشی را نمی‌دهد. به عبارت دیگر، آنچه خالق اثر می‌فروشد اصل مادی کتاب یا تابلو است و نه حق بهره برداری از آن. چنین مفهومی از مالکیت و حقوق مربوط به آن نه تنها با اصول و مبانی فقهی شریعت که با حقوق فردی به معنای طبیعی و فطری آن نیز سازگاری ندارد.

مسئله‌ای که در تحلیل جایگاه و اعتبار حقوق فکری از منظر فقه اسلامی ایرادهایی منطقی را پیش رو می‌نهد مبانی و اصول این حقوق در تعریف مفهوم مالکیت است؛ در این ارتباط سه نکته قابل توجه وجود دارد:

۱- آنچه موضوع مالکیت است امور مادی یا متعلق به ماده است. در لسان فقها و حقوق مدنی (ر.ک، ماده ۲۹ ق.م)، مال از نظر مصداقی در اعیان و منافع خلاصه می‌شود. بنابراین آنچه نمود مادی و ملموس نداشته باشد مال محسوب نمی‌گردد.

۲- مظهر و جلوه مالکیت از منظر حقوق اسلامی استیلا و سیطره فرد بر مال به مفهوم فوق یا به اصلاح فقهی «ید» است. «ید» مرجع و ملاک در تشخیص و احراز رابطه اعتباری مالک و مال شمرده می‌شود؛ قاعده‌ای که در شناخت کلیه مصداق مالکیت جاری است (آل بحر العلوم، ۱۳۶۲: ۳/۳۰۲).

۳- استیلا (ید) در نظر قاطبه فقهای اسلامی اعم از متقدم و متأخر یا سبب مالکیت است مانند حیات مباحات، و یا مسبب از آن نظیر مالکیت ناشی از هر یک از نواقل شرعی و قانونی مانند بیع و هبه (همو، ۳/۳۰۳)، مالکیت بر حقوق فکری را در تحت کدام یک از این مصداق باید قرار داد؟

برخی از فقها برای مالکیت در برخی تحلیل‌ها چهار مرتبه قائل شده‌اند (حسینی روحانی

قمی، ۱۴۲۳: ۲۹۷):

۱- مالکیت حقیقی که مشتمل بر سلطه کامل و تام مالک بر مملوک در حدوث و بقا بوده و خاص خداوند متعال است.

۲- مالکیت ذاتی است که بین آدمی و نفس و ذمه او و نیز کار و عملش تحقق می‌یابد و مرتبه فروتر از مالکیت حقیقی خداوند محسوب می‌گردد.

۳- مالکیت نسبی که حاصل از رابطه شخص با شیء یا مقام خاصی است که عنوان اجتماعی او را شکل می‌دهد؛

۴- مالکیت اعتباری است که عقلاً یا شارع برای فردی به دلیل مصلحت خاصی قائل می‌شود. حقوق فکری ناشی از تألیف کتاب یا اختراع و مانند آن از نوع دوم محسوب شده و از آنجا که نتیجه عمل و اندیشه او شمرده می‌شود مملوک و تحت سلطنت وی قرار دارد (همان‌جا).

تحلیل بالا، ما را به این نتیجه رهنمون می‌شود که شارع مقدس اسلام در تعریف مفهوم اعتباری مالکیت که مبنای بسیاری از روابط اجتماعی است، نظر به عناصر مادی مالکیت یعنی اشیای مادی و منافع ملموس آن دارد؛ و همواره ملاک ملموس و عامی از این رابطه اعتباری را تحت عنوان «ید» و تصرف مالکانه به عنوان ملاک اصلی مالکیت به رسمیت می‌شناسد. اساساً در اقتصاد اسلامی رابطه انسان با اصل مال (از هر نوع) رابطه‌ای تکوینی و حقیقی است، اما رابطه مالکانه او نسبت به اشیاء (مالکیت) رابطه‌ای اعتباری تلقی می‌شود. از این رو در نسبت میان انسان با اموال دو نوع رابطه قابل تصور است، یک رابطه اعتباری و انتزاعی که آن را مالکیت می‌نامیم، و رابطه‌ای حقیقی و تکوینی شامل انواع تصرفات و نیز مقوله مصرف (حکیمی، ۱۳۶۷: ۱۳۳/۳).

در ارتباط با حقوق فکری رابطه نوع اول قابل تصور است، اما از آنجا که رابطه تکوینی فقط بین انسان و اعیان و منافع آنها (آن هم به تبع) مفهوم دارد و در مورد حقوق و منافع قابل تصور نیست، نمی‌توان مالکیت بر حقوق فکری را به معنای تام آن پذیرفت. نکته دیگر این‌که فقهای سلف در تبیین رابطه مالکانه مزبور بر منافع قید «محقق الوجود بودن» را نیز لحاظ کرده‌اند. در ارتباط با منافعی که تدریجاً محقق می‌شوند مالکیت را در صورتی قابل تصور می‌دانند که منافع مزبور قبلاً تحقق یافته و به منصفه ظهور رسیده باشند. اما نسبت به منافع آینده یا محتمل الوجود سلطه مالکانه (ید) را جاری نمی‌دانند (نراقی، ۱۴۱۷: ۷۴۵؛ بجنوردی، ۱۴۱۹: ۱۵۰/۱).

برخی از نویسندگان در مقام اثبات مشروعیت حقوق فکری از نگاه فقه اسلامی صرف اختصاص و مالکیت را، با صرف نظر از ملاک فوق الذکر، مبنای استدلال خود قرار می‌دهند، یعنی از آنجا که اصل رابطه مالکانه اعتباری و ناشی از جعل شارع و قانونگذار است و حق فکری نیز قابل اختصاص و اضافه و ملک است، این دو مفهوم مانع الجمع

نیستند و بر این مبنا عنوان مالکیت و احکام آن بر حقوق فکری نیز صدق می‌کند (امیدی فرد، ۱۳۸۵: ۴۳).

برخی از حقوق دانان نیز از چنین منظری به حقوق فکری نگریسته و با تکیه بر عموم ادله به اضافه استدلال بالا، مشروعیت مالکیت بر حقوق فکری را از نظر فقه اسلامی استنتاج کرده‌اند (Raslan, 2007: 558).

چنین استدلال‌هایی که عمدتاً مبتنی بر انواع قیاس است ضعیف‌تر از آن است که بتواند مشروعیت حقوق فکری را اثبات کرده و حقوق فکری را در دایره شمول تعریف فقها از مالکیت جای دهد. یک نکته اساسی در تحلیل‌هایی از این دست مغفول مانده است، مالیت حقوق و منافع در فقه اسلامی و شمول احکام مالکیت به آنها به اعتبار قائم بودنشان به اعیان است. فرض حقوق مالکانه نسبت به حقوق و منافع مزبور چه صرف اختصاص و امتیاز از آنها متبادر باشد و چه حق یا منفعت ایجاد شده، امکان نقل و انتقال و تصرفات قانونی در آنها و قرار گرفتنشان تحت ید و استیلای مالک به تبع عین و ناشی از استقرار خارجی و عینی آن است، چنان‌که با از بین رفتن عین منفعت و حق مزبور نیز ساقط می‌گردد (بجنوردی، ۱۵۳).

بنابراین رابطه مالکانه شخص نسبت به حقوق فکری با فرض دو ویژگی مهم یعنی لزوم تحقق آنها در گذشته و قائم بودن به عین محل اشکال خواهد بود. بنابراین به منظور ورود به بحث از جایگاه حقوق فکری از منظر فقه اسلامی باید مقدمتاً وجود چنین رابطه و تعلقی میان انسان و اموال فکری مورد تحلیل قرار گیرد.

در مباحث فقهی وقتی لفظ مال به کار می‌رود منصرف به معنای عرفی آن است که اشیای مادی دارای ویژگی‌های خاص را در بر می‌گیرد. حتی در مال بودن منافع و صدق عنوان مال بر آنها نیز مناقشه دیده می‌شود. اما در یک تحلیل کلی، «مدار عرفی در مال بودن امکان وقوع آن است در معرض معاوضات. پس منافع هم مال است» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۳۲۷/۴).

زمانی یک شیء می‌تواند موضوع معاوضه قرار گرفته و مال معرفی شود که ارزش آن (مالیت) به عنوان یک حقیقت اعتباری مفروض یعنی واجد شش ویژگی، باشد؛ اختصاص به فرد معین، نافع بودن، مشروع بودن نفع، عقلایی بودن نفع، قابلیت مبادله، و قابل تقویم بودن (همو، ۳۲۸/۴).

منافع و برخی حقوق متعلق به اعیان مانند حق ارتفاق یا حق انتفاع به اعتبار برخوردار از همین ویژگی‌ها و به تبع عین مشمول عنوان «مال» قرار گرفته‌اند. برای تنقیح بحث نخست باید به این پرسش پاسخ گفت که منظور فقهای امامیه در بحث از مالیت حقوق و منافع متعلق به اعیان صحت مالکیت به معنای حقیقی بر آنها است یا آنکه فرد نسبت به آنها فقط اختصاص و اولویت پیدا می‌کند بدون آنکه مالکیت حقیقی بر آنها داشته باشد.

حقوق یا اموال: ماهیت حقوق فکری

به طور سنتی دارایی‌ها در فقه اسلامی به دو گروه اموال و حقوق تقسیم می‌شوند و اموال خود مشتمل بر دو مقوله اعیان و منافع هستند. در تحلیل ماهیت حقوق فکری نخست باید به این سؤال پاسخ گفت که حقوق مزبور مشمول عنوان حقوق قرار می‌گیرند یا از گروه اموال (منافع) به شمار می‌آیند. حقیقت آن است که تمام تعاریفی که از مصادیق گوناگون حقوق فکری وجود دارد از این حقوق به عنوان امتیازی انحصاری و متعلق به پدید آورنده یا سازنده یاد می‌کنند. این تعریف با تعریفی که در فقه اسلامی از حق به عمل آمده است سنخیت دارد و از ویژگی‌های برخی از حقوق که در اسقاط و نقل آنها به دیگری مجاناً یا در مقابل عوض یا نقل قهری جایز شمرده شده نظیر حق خیار، حق قصاص، حق رهن، حق تحجیر و حق شرط مطلق برخوردار است (آل بحرالعلوم، ۱۷/۱). اما شمول مفهوم مالکیت که تحت عنوان سلطه فرد بر اموال تعریف می‌شود به حقوق فکری دشوار به نظر می‌رسد. قراردادن این مقوله تحت عنوان آن بخش از دارایی‌ها که حقوق نامیده می‌شوند با استناد به مشابهت‌هایی که ذکر آن رفت نیز خالی از مسامحه نخواهد بود. اما به هر صورت یک وجه تشابه بین حقوق فکری و حقوق مالی وجود دارد و آن این که هر دو به تبع موضوع خود به مال منتهی می‌شوند. اگر رکن اصلی مالکیت را آن گونه که برخی از صاحب نظران آورده‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۵۶: ۹۳/۱)، اختصاص و تعلق فرض کرده و از عناصر مادی آن که اعیان خارجی و منافع آنها است در این خصوص صرف نظر نماییم، الحاق حقوق فکری به اموال منطقی به نظر می‌رسد. تلقی کردن حقوق فکری به عنوان امتیاز انحصاری برای پدید آورندگان آنها نیز حقوق مزبور را با منافع قابل تملک و ارزشمند قابل قیاس می‌سازد.

یکی از مسائل مطرح در زمینه حقوق فکری تلقی این حقوق به عنوان مال و در نتیجه شمول احکام حقوقی مربوط به اموال نسبت به آنها بوده است. حتی برخی از صاحب نظران غرب در مالیت برخی از انواع این حقوق به ویژه آنها که ماهیتاً اطلاعات شمرده می‌شوند ابراز تردید کرده‌اند. پروفسور هنری اسمیت (۲۰۰۷: ۱۷۴۴) مشکل اصلی و محوری در تعیین گستره دقیق و واقعی حقوق فکری را پرسش‌ها و تردیدهای مهمی می‌داند که در ارتباط با مال بودن آنها وجود دارد. حقوق فکری موضوع بحث ما اعم از مصادیق سنتی آن و مقوله‌های جدیدی چون فرمول‌های شیمیایی، ایده‌های علمی و نظری، روش‌های تجاری و مانند آن ماهیتاً اطلاعات شمرده می‌شوند، موضوعاتی که از دید یک مصرف کننده نه رقابت پذیر است و نه قابل انحصار، و ممنوع ساختن دیگران از کاربرد و استفاده از آن دشوار به نظر می‌رسد (Ibid, 1745).

ادله فقهی اثبات مشروعیت حقوق فکری

قرار گرفتن موضوع حقوق فکری در حاشیه مباحث فقهی نوین و تلقی آن در حدّ یکی از مسائل مستحدثه در رساله‌های عملیه و بحوث فقهی را می‌توان دلیلی بر اهمیت اندک موضوع در نظر فقهای معاصر دانست به ویژه آنکه در مشروعیت آن نیز اختلاف نظر وجود دارد. اما وجود کنوانسیون‌های متعدد بین المللی معطوف به حمایت از این حقوق و تلاش گسترده جهانی در راه توسعه و ترویج فرهنگ احترام به حقوق فکری از یک سو و پیش قدم شدن بسیاری از کشورهای اسلامی در پیوستن به این کنوانسیون‌ها و نیز تصویب قوانین داخلی در حمایت از حقوق مذکور از سوی دیگر، ضرورت اتخاذ رویکرد فقهی-حقوقی مشخص و تعیین جایگاه این حقوق در عرصه قواعد عام مالکیت و مبادلات تجاری را پیش آورده است. از طرف دیگر، چنانچه این حقوق یا امتیازات از تعریف خاصی در تحلیل فقهی برخوردار شده و حقوق مالکانه نسبت به آنها همچون مصادیق سنتی اموال و منافع آنها مشروع تلقی شود، ضرورتاً انواع تصرفات مرسوم در اموال و منافع اعتباری آنها در حقوق فکری نیز جاری شده و موضوع عقود گوناگون شرعی واقع خواهند شد، و این تفسیر طبعاً تحولی عظیم در مباحث فقهی و حقوقی مربوط به اموال و منافع و حقوق به شمار می‌آید.

نویسندگانی که حقوق فکری را از منظر فقه اسلامی بررسی کرده‌اند در حقیقت از دو بعد به موضوع نگریسته‌اند: نگاه فقهی و نگاه اصولی. از آنجا که دلایل خاص فقهی بر مشروعیت حقوق فکری وجود ندارد استدلال در مورد این حقوق عموماً مبتنی بر عموم و اطلاق ادله شرعی است. از بین ادله فقهی به ویژه سیره عقلا و قواعد فقهی مربوط به مالکیت و تعاریف فقهای عظام از حقوق و مفاهیم اعتباری ناشی از مالکیت بسیار مورد استفاده قرار گرفته است.

۱. ادله عام مربوط به مشروعیت عقود

از جمله بارزترین احکام امضایی شریعت اسلام مشروعیت انواع تجارت‌ها و عقود مالی و غیر مالی است که لازمه حیات اجتماعی انسان شمرده می‌شوند. در یک قیاس ساده می‌توان گفت آفرینش فکری و ذهنی هر شخص وقتی در قالب کتاب یا تصویر یا فایل یا علامت یا فرمول یا کشف قابل بهره برداری متجلی می‌شود همانند ثمره کار یدی و دسترنج مادی او منحصرآ ملک و امتیاز آفریننده بوده و مالکیت بر آن محترم و مشروع و نیز قابل مبادله و هر نوع تصرف مالکانه است. ماده ۲۹ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران مالکیت را به اعیان و منافع محدود دانسته است، اما به گفته حقوق‌دانان باید از این ظهور صرف نظر کرده و مفهوم عین در این ماده را شامل حقوق و دیون و اعمال نیز بدانیم (جعفری تبار، ۱۳۸۶: ۴۵).

بر اساس تحلیل سنتی فقهی نیز اموال شامل اعیان و منافع و حقوق می‌شود، و مالیت و مالکیت نیز اعتباری عقلایی است که با توجه به نیاز عمومی به اعیان و منافع لحاظ شده است (نجفی، ۱۳۵۹: ۱۲۸/۲).

برخی از فقهای عظام با توسعه حدود قاعده صحت عقود زمینه را برای چنین استنباطی فراهم آورده‌اند، چنان‌که میرفتاح (مراغی) در العناوین الفقهیه پس از تصریح بر این نکته که عقود تجاری و معاملات از ضروریات زندگی اجتماعی بوده و شرع آنها را تاسیس نکرده است، یادآور می‌شود که مردم برای ادامه حیات نیازمند نقل و انتقال اعیان و منافع در مقابل عوض و بدون عوض هستند (مراغی، ۱۴۱۷: ۷/۲).

این ضروریات حاصل از زندگی اجتماعی در تمام جوامع و همه اشخاص است. حتی در بین مردم عقود و معاملاتی رایج است که تحت عناوین رایج فقهی قرار نمی‌گیرند.

برخی از این اعمال در زمان شارع نیز رایج بوده است و اگر امر حرام یا فاسدی بر آنها مترتب بود شارع مقدس آنها را تقریر نمی‌کرد (همو، ۸/۲).

اگر شارع بر اعمال تجاری و داد و ستدهای متداول آن زمان صحت گذاشته است منعی برای تقریر داد و ستدهای دوران ما که گاهی بر حقوق و مالکیت‌های فکری و صنعتی نیز واقع می‌شوند، وجود ندارد.

برخی نیز بر پایه این استدلال که مثلاً در عقد بیع لازم نیست که مبیع ضرورتاً عین باشد، مشروعیت نقل و انتقال حقوق معنوی را نتیجه گرفته‌اند (جعفری تبار، ۱۳۸۶: ۴۵).

به گفته این گروه، فقهای متقدم شیعه در مباحث فقهی از لزوم عین بودن مبیع سخنی نگفته‌اند و تنها در اواخر قرن یازدهم هجری به این موضوع در عبارات فقها اشاره شده و حتی برخی به افراط رفته و لزوم عین بودن مبیع را، هم در جانب ثمن و هم در جانب مبیع مورد تصریح قرار داده‌اند (همو، همان‌جا).

تصریح یا عدم تصریح فقها به لزوم عین بودن مبیع احتمالاً ارجاعی است به این مقوله که منافع نیز مانند اعیان می‌توانند موضوع داد و ستد و نقل و انتقال واقع شوند. توضیح این نکته نیز لازم است که منافع نیز اگر موضوع نقل و انتقال واقع می‌شوند به تبع اعیان و به اعتبار وجود خارجی عین است که امکان استیفای منفعت از آن وجود دارد. به همین دلیل است که در عقود مشتمل بر نقل و انتقال منافع نظیر اجاره برخی از فقها صرف قبض عین را قبض منفعت نمی‌دانند (مراغی، ۲/۲۶۷).

بر این مبنا حقوق نیز ممکن است به اعتبار منافی که بر آنها مترتب است موضوع عقد واقع شوند، اما این قاعده فقط در مورد حقوقی صادق است که ما به ازای مادی خارجی داشته و ماهیتاً منفعت باشند نه حقوق فکری به معنای مصطلح آن.

۲. مفهوم حق و قاعده سلطنت

مفهوم حق به عنوان مرتبه و درجه‌ای از سلطنت که به شخص تعلق می‌گیرد (هاشمی شاهرودی و دیگران، ۱۴۲۶: ۳/۳۱۷) یا سلطه فردی بر دیگری یا بر اموال به صورت اعتباری که در ضعیف‌ترین مرتبه تملک قرار دارد، (آل بحرالعلوم، ۱/۱۴) تعریف شده است. یکی از آثار بارز این سلطنت تملک و سلطه صاحب حق بر خود یا بر اموال است. در حقیقت سلطنتی که شارع برای فرد قرار داده است همان حق است و صاحب آن مالک یا مسلط

تعریف می‌شود. در برخی تحلیل‌ها تملک انسان بر نفس خویش مرتبه بالاتر حق، و سلطنت الهی و حقوق او بر آدمی مرتبه اعلاّی حق تعریف شده است (همان: ۱۵/۱). بنابراین، آدمی به اعتبار مالکیت بر نفس خویش که در قرآن کریم هم با عبارت شریفه «رَبُّ اَنْی لَامَلْکُ اِلَّا نَفْسِی وَاخِی... الْاَیَّه»^۱ از آن یاد شده است، حقی بر خود و بالتبع بر آثار وجودی‌اش که از جمله آنها نتایج تلاش فکری و ذهنی است، دارد.

قاعده سلطنت به عنوان یکی از ادلّه عام مالکیت که در بسیاری از احکام در خصوص نفوذ و مشروعیت انواع تصرفات مالکانه مورد استناد قرار گرفته است از دیرباز در اخبار منقوله و احادیث فقط بر اموال وارد شده است. اما در برخی از متون عبارت «و علی حقوقهم» را نیز به آن افزوده‌اند.

صاحب جواهر در کتاب رهن در استدلال به جایز بودن اسقاط ضمان در رهن به عموم قاعده «تسلط الناس علی حقوقهم و اموالهم» استناد کرده است. در لازمه سلطنت بر حقوق، اگر فرض شمول لفظی قاعده را بپذیریم، تمامی تصرفات مالکانه و مجازی خواهد بود که فرد بر اموال خود دارد. در معنای عام کلمه، حقوق فکری از این قاعده مستثنی نیست. اگرچه در دیگر ابواب فقه نه صاحب جواهر و نه دیگران از لفظ «حقوقهم» در متن قاعده یاد نکرده‌اند، اما می‌توان گفت به اعتبار بنای عقلا و تأیید آنها نسبت به سلطنت هر صاحب حقی بر حقوق خود، به اضافه عدم ردع شارع نسبت به آن، قاعده مزبور حقوق را نیز شامل می‌شود (ر.ک، مکارم شیرازی، ۱۴۱۱: ۳۶/۲).

شارع مقدس اسلام انواع تصرفات مربوط به انتفاع را به اقتضای این سلطنت برای آدمی به صورت علی الاطلاق قرار داده است. بنابراین، از آنجا که عقد بیع و سایر عقود وسیله‌ای برای اعمال این تصرفات است، تسلط بر اموال به معنای عام آن هر نوع که مردم اراده کنند مجاز است و این معنا مورد قبول شارع نیز قرار گرفته است، یعنی او خود این تصرفات را مباح شمرده و امضا کرده است نه این‌که قاعده جدیدی تأسیس کرده باشد (مراغی، ۹/۲؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۱: ۳۰/۲).

بنا به نوشته نویسنده کتاب بلغه الفقیه، شیخ انصاری نیز عموم قاعده سلطنت را ناظر به انواع تصرفات مالکانه در حقوق و اموال می‌داند، جز آنکه در ارتباط با نحوه

تحقق این قدرت و سلطنت و اسباب آن معتقد است که خود قاعده دلالتی بر آنها ندارد زیرا در مقام بیان اسباب نبوده است (آل بحرالعلوم، ۱۰۸/۱).

۳. دلیل عقلی

در حقوق اسلامی حجیت حکم عقل و ملازمه بین حکم عقل و حکم شرع، اگرچه در مواردی محل نزاع و نقاش علمی بوده، اما به عنوان بخش مهمی از اصول استنباط حقوقی در اسلام مورد توجه فقها و اصولیین قرار گرفته است. استناد به سیره عقلا و حکم عقل عملی در اثبات حجیت برخی از قواعد فقهی و اصول عملیه از آن جمله است. در اثبات مشروعیت حق مالکیت فکری می‌توان به حکم عقل و سیره عقلا نیز استناد کرد.

بخش مهمی از احکام شریعت بر بنیاد مستحکم عقل استوار است اما این موضوع که عقل به تنهایی مصدر و مبنای صدور حکم قرار می‌گیرد همواره موضوع بحث و نقاش علمی بوده است. درخصوص توان عقل در درک و تحلیل مصالح و مفاسدی که احکام شارع مشتمل بر آنها است بین علمای شیعه اتفاق نظر وجود دارد (مشکینی، ۱۳۶۷: ۲۰۸).

در مقوله حُسن و قُبْح عقلی منظور از حَسَن که عقل قادر به درک آن است اموری است مشتمل بر مصالح عام یا خاص، اعم از این که نفس عمل ممدوح باشد یا خیر. مالکیت آدمی بر نفس و تن خود و بالتَّبَع بر ثمره تلاش ذهنی و جسمی خود از این گروه است. مالکیت از حقوق طبیعی انسانها است، حقی که بر اساس فطرت و به حکم عقل از سوی تمام ادیان و شرایع ضروری و لازم الرعایه دانسته شده است.

در میان متفکران غربی نیز بسیاری از طرفداران حقوق مالکیت فکری به حقوق فطری (طبیعی) برای اثبات لزوم وجود این حقوق و حمایت از آن استناد کرده‌اند. مدافعان حق مالکیت فکری بر این عقیده هستند که برخی نظریات علمی و نتایج کار فکری آدمی شایسته حمایت قانونی‌اند به این دلیل که مخلوق تلاش او هستند. برای نمونه حقّ پدیدآورنده نسبت به اختراع و اثر ادبی یا هنری را جزو حقوق مالکانه او می‌شناسند از آن رو که او به طور طبیعی نسبت به محصول تلاش فکری‌اش چنین حقی دارد (Kinsella, 15). چنین گمان می‌رود تأکید بر حق طبیعی مالکیت و استناد به حقوق فطری در اثبات این امور در حقیقت اشاره به حکم عقل است.

در حوزه فقه امامیه، فقهای متقدم و متاخر و معاصرین همگی در مباحث گوناگون به حکم عقل عملی در موارد مختلف استناد کرده‌اند. این شیوه الهام گیرنده از قاعده مشهور ملازمه بین حکم عقل و شرع است. این قاعده دو بعد دارد: شق دوم آن یعنی حکم عقل به آنچه شرع به آن حکم کند، مورد قبول فقهای امامیه است. اما صدر عبارت قاعده که می‌گوید هرآنچه عقل به آن حکم کند شرع نیز به آن حکم می‌کند، مورد قبول برخی قرار گرفته و برخی دیگر که درک حسن و قبح شیء را توسط عقل ملازم به حکم شرع به آن نمی‌دانند، ملازمه در این جهت را نمی‌پذیرند (مشکینی، ۱۳۶۷: ۲۰۷).

از جمله مواردی که ملازمه مزبور ملاک حکم قرار گرفته، استناد به مالکیت افراد بر حقوق و اموال خود به نحو اطلاق است. در این زمینه آیت الله منتظری نوشته است: «عقل عملی هم ناظر است و هم حاکم بر این که مردم مالک آن چیزی هستند که به دست می‌آورند یا تولید می‌کنند. شرع مقدس نیز حکم عقل را تنفیذ کرده است به گونه‌ای که موضوع از مسلمات فقهی شیعه و سنت تلقی شده و در ابواب مختلف به آن تمسک جست‌ه‌اند» (نظام‌الحکم فی الاسلام، ۱۴۱۷: ۱۶۶).

اگر این سلطه و حق مالکانه بر اموال را به حکم عقل برای آدمی ثابت بدانیم می‌توان گفت از فروع آن سلطه و مالکیت بر نفس و ذهن و کار و تلاش فکری نیز هست.

در شمول این سلطه مالکانه و لزوم حمایت قانونی نسبت به حقوق فکری می‌توان استدلال برخی فقها در تعمیم حکم عقلی مستفاد از قاعده سلطنت به حقوق مختلف را ذکر کرد. به گفته آیت الله مکارم شیرازی قاعده سلطنت به اعتبار بنای عقلا و تأیید آنها نسبت به سلطنت هر صاحب حقی بر حقوق خود به اضافه عدم ردع شارع مقدس، حقوق را نیز شامل می‌شود. از طرف دیگر، به قیاس اولویت نیز می‌توان استناد کرد. به این بیان که وقتی آدمی بر اموال خود تسلط دارد، به طریق اولی تسلط او بر حقوقش نیز مشروع است (القواعد الفقهیه، ۱۴۱۱: ۳۶/۲).

اساساً مالکیت یک اعتبار عقلایی است. امام خمینی در تحریر الوسیله سلطنت را نه مرادف با مالکیت بلکه از احکام و لوازم عقلایی آن دانسته است (۱۴۲۱: ۲۱/۱).

فلسفه وجود باب حیازت مباحث در فقه مبتنی بر همین نیاز فطری و حکم عقلی بوده است. بنابراین می‌توان گفت که سلطه آدمی بر نتایج کار و تلاش فکری‌اش به عنوان یکی از فروع سلطه و مالکیت او بر تن و وجودش حکم عقل و مورد تأیید شارع

مقدس اسلام است. آنچه می‌ماند این است که حقوق مزبور به عنوان امتیاز و حقوق انحصاری قابل خرید و فروش بوده و نیز صاحب حق مجاز به منع دیگران از بهره برداری تجاری از آنها باشد.

۴. استفتائات جدید

فتاوی فقهای شیعه و سنی در خصوص مشروعیت حقوق فکری بیانگر دیدگاه‌هایی از نفی مطلق مشروعیت این حقوق گرفته تا پذیرش مطلق آنها و تفصیل بین موضوعات یا عدم اظهار نظر در مسأله است. در این میان اعلام موضع دولت‌های کشورهای اسلامی در خصوص کنوانسیون‌های حمایت از حقوق فکری که عموماً مسبوق به نظرهای فقهی و اعلام نظر مراجع افتا بوده است، دلالت بر رویکرد حقوقی مبنی بر مشروعیت انواع گوناگون این حقوق دارد. در بین فقهای اهل سنت شورای افتای آکادمی فقه اسلامی کویت در مصوبه شماره ۳۴ (۵/۵) خود در خصوص حقوق معنوی در سال ۱۹۸۸ م مقرر کرده است:

۱- نام تجاری، نام شرکت‌ها، علامت تجاری، آثار ادبی، اختراع یا اکتشاف به عنوان حقوق متعلق به دارندگان آنها در حال حاضر دارای ارزش مالی و قابل داد و ستد شمرده می‌شوند. شرع مقدس این حقوق را به رسمیت می‌شناسد و بهره برداری بدون اجازه مالک از آنها حرام است. ...

۲- حقوق نشر و حق امتیاز توسط شرع حمایت می‌شوند. دارندگان آنها می‌توانند آزادانه این حقوق را انتقال دهند. این حقوق نباید مورد سوء استفاده قرار گیرند (Raslan, 2007: 502).

مشابه این فتاوی از سوی کمیته افتای الازهر در مصر در قالب مجموعه‌ای از نظریه‌های فقهی در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ م، صادر شده که مضمون اصلی آنها مشروع شناختن مالکیت بر حقوق فکری و امتیازهای انحصاری مترتب بر آنها بوده است (Ibid, 502-503).

فقهای معاصر شیعه عموماً بر مشروعیت حقوق فکری صحه گذاشته و رعایت حقوق صاحبان این گونه مالکیت‌ها را لازم دانسته‌اند. آیت الله منتظری در رساله استفتائات خود ضمن تصریح بر عقلایی بودن حق اختراع، حق کشف، حق تألیف، حق طبع و امثال آن

عدم ردع شارع را در اثبات مشروعیت آنها کافی دانسته و تجاوز به این حقوق را جایز نمی‌داند (رساله استفتائات، ۱۴۱۷: ۱۰۶/۳).

برخی مراجع از این حقوق به عنوان حق عقلایی و شرعی یاد کرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۵۵۴/۳). چنین بیانی از سوی یک فقیه متضمن همان نکته‌ای است که پیش‌تر گفته شد و آن این‌که عقلایی بودن این حقوق به مفهوم تأیید آنها از جانب شرع است.

آیت الله شیرازی در مسأله ۳۴۸۶ از کتاب مسائل اسلامی و مسائل مستحدثه این حقوق را مشروط به این‌که در نظر عرف به عنوان حق (حق مالی) شناخته شده باشند مشروع دانسته و بنا بر احتیاط رعایت حقوق صاحبان آنها را لازم دانسته است (المسائل الاسلامیه، ۱۴۲۷: ۶۸۴). معمولاً فقها وقتی از عرف سخن می‌گویند و مشروعیت امری را به عرف مستند می‌سازند مفهومی جز عرف عقلا نمی‌تواند داشته باشد.

آیت الله مکارم شیرازی در نظریه خود در مورد حقوق فکری بر این نکته نیز تأکید ورزیده که عدم رعایت حقوق صاحب اثر و استفاده از اثر وی بدون ذکر مأخذ (کپی برداری) در عرف عقلا ظلم محسوب شده و حرام است (۱۴۲۷: ۵۵۴/۳). بیان عنوان «ظلم» در توصیف عمل اشاره به حکم وضعی و قانونی مترتب بر آن است، هم‌چنین ایشان بر حرمت شرعی سوء استفاده به عنوان حکم تکلیفی نیز تأکید ورزیده است.

برخی از فقهای معاصر با تحلیل مفهوم مالکیت و سلطنت و استنباط رابطه مالکیت ذاتی بین شخص و حاصل کار و تلاش فکری‌اش بر مشروعیت حقوق فکری صحه گذاشته‌اند. آیه الله حسینی روحانی چنینی تحلیلی داشته و می‌گوید: «کسی که کتابی تألیف می‌کند، کتاب و نوشته نتیجه عمل و اندیشه او و بالطبع مملوک و تحت سلطنت اوست و حق دارد دیگران را از بهره برداری یا تصرف در آن منع نماید. دلیل این امر تسلط مردم است بر اموال خود به حکم عرف و شرع؛ و نیز فرموده پیامبر اکرم (ص) که: «الناس مسلطون علی اموالهم» (۱۴۲۳: ۲۹۸).

فقهای معاصر که به مناسبت متعرض مسائل حدیثه شده و مقتضیات علمی و تکنولوژیکی عصر را در حوزه اجتهاد به بحث گذاشته‌اند عموماً در تأیید مشروعیت حقوق فکری و مالکیت انحصاری صاحبان آنها سخن گفته‌اند. در این مباحث بیشتر به دو موضوع حق طبع و حق اختراع پرداخته شده و مقوله‌های دیگر مانند علامت تجاری،

اسرار تجاری، فرمول‌ها و اطلاعات علمی و برنامه‌های رایانه‌ای مورد اشاره قرار نگرفته است. در این میان دیدگاه امام خمینی در زمینه حقوق فکری به نحوی که در تحریر الوسيله بیان شده است،^۱ دلالت بر عدم مشروعیت حق طبع و حق اختراع از نظر شرع دارد. در بخش مسائل مستحدثه در مسأله سوم و چهارم از فروع قسمت مربوط به تشریح و ترفیع، ایشان بر عدم مشروعیت حق طبع و حق اختراع تصریح کرده است (۵۵۸/۲:۱۴۰۳).

استدلال وی در نفی حقوق انحصاری برای مؤلف و مخترع بر مفاد قاعده سلطنت استوار است، به این مضمون که خریدار کتاب یا محصول تولید شده مالک آن است و به اقتضای تسلط بر مال خویش هیچ کس نمی‌تواند او را از استفاده از آن مال اگر چه مستلزم تقلید یا تکثیر کتب و اختراع باشد منع نماید. به عقیده ایشان صرف تألیف و چاپ کتاب یا اختراع وسیله موجد حق انحصاری برای مؤلف و مخترع و منع دیگران از تقلید و تکثیر آن نمی‌شود زیرا لازمه چنین امری وجود یک قرارداد است و چنین قراردادی نیز بین صاحبان اثر با دیگران بسته نشده است (همان جا).

برخی از منتقدان حقوق فکری در غرب نیز یکی از راه‌های ایجاد حق انحصاری برای صاحبان اثر را عقد قرارداد دانسته‌اند که خود انتقادهایی را در پی داشته است (Kinsella, 33). به این ترتیب، قاعده سلطنت که توسط بسیاری از فقها در اثبات مشروعیت حق انحصاری مالک حقوق فکری مورد استناد قرار گرفته است، در فتوای امام خمینی (۱۴۰۳: ۵۵۸/۲)، دلیلی بر حق بلامنازع خریدار اثر برای هر نوع استفاده از آن، اگر چه تقلید و تکثیر آن باشد، تلقی می‌شود، نتیجه آن که برخی از همان ادله‌ای که برای اثبات مشروعیت حقوق فکری مورد استناد قرار می‌گیرد، صلاحیت استناد بر موضع خلاف آن نیز دارد.

۱. فروع:

الثالث - مایسمی عند بعض بحق الطبع لیس حقا شرعیا، فلا یجوز سلب تسلط الناس علی اموالهم بلا تعاقد و تشارط، فمجرد طبع کتاب و التسجيل فیه بان حق الطبع و التقليد محفوظ لصاحبه لایوجب شیئا و لایعد قرارا مع غیره، فجاز لغیر الطبع و التقليد، و لایجوز لاحد منعه عن ذالک.

الرابع - ماتعارف من ثبت صنعه لمخترعها و منع غیره عن التقليد و التکثیر لا اثر له شرعا، و لایجوز منع الغیر عن تقلیدها و التجاره بها و لیس لاحد سلب سلطنه غیره عن امواله و نفسه. (۵۵۸/۳: ۱۴۰۳، مسأله ۳ و ۴).

نتیجه

قوانینی که در حوزه مالکیت فکری در کشورهای مختلف به ویژه کشورهای اسلامی وضع می‌شوند، به تبع کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق فکری را به رسمیت شناخته و مورد حمایت قرار می‌دهند. احترام به دستاوردهای هنری و ادبی به عنوان حق انحصاری صاحبان آنها از روزگار قدیم مرسوم بوده است. مقوله‌هایی چون حق طبع، حق اختراع، علامت تجاری و اسرار تجاری به عنوان دارایی‌های غیر ملموسی که امکان تقلید و بهره برداری از آنها به سادگی برای همگان فراهم است باید مورد حمایت قانون قرار گیرند و امتیاز انحصاری بهره برداری صاحبان آنها محترم شمرده شود.

با توجه به اهمیت و کاربرد نظریه فقهی در ارتباط با این حقوق در میان آرا و نظرهای فقهای عظام به دنبال پاسخ برای دو پرسش بوده‌ایم: نخست آنکه آیا فقه اسلامی حقوق فکری را به عنوان اموال و حقوق انحصاری مشروع می‌داند؟ و دیگر این که اگر این حقوق از نظر فقهی مشروع شمرده می‌شوند آیا از احترام و در نتیجه از حمایت قانونی برخوردارند و سوء استفاده از آنها ممنوع و حرام است؟

حقوق فکری به عنوان یک پدیده از مسائلی است که فقدان دلیل آنها را در زمره مسائل مستحدثه قرار داده است. اساساً احترام به تلاش فکری دیگران و ضرورت رعایت حقوق کسانی که با تلاش ذهنی و جسمی پدیده‌های هنری و ادبی و علمی و صنعتی آفریده‌اند نه تنها حکم عرف و عقلای عالم است که منع و ردعی نیز در این مورد وارد نشده است. ماهیت حقوق فکری بسیار شبیه به حقوقی است که در شرع اسلام موضوع مالکیت واقع شده و محترم شمرده شده‌اند.

رابطه مالکانه پدید آورنده اثر با حاصل و ثمره تلاش فکری‌اش از دو ویژگی مهم برخوردار است: نخست آنکه رابطه‌ای ذاتی و مصداق قاعده سلطنت شمرده شده است؛ و دیگر آنکه می‌توان منافع حاصل از آن را در حکم مال تلقی و خرید و فروش کرد. از آنجا که مالکیت و سلطه ذاتی آدمی بر نفس و تن و اموال و حقوق خود ملازم با فطرت و طبع اوست، بسیاری از حقوق دانان بر مبنای اصول حقوق فطری سعی در اثبات مشروعیت حقوق فکری داشته‌اند؛ موضوعی که در فتاوای برخی از فقهای معاصر شیعه و سنی در لزوم احترام به این حقوق و مشروعیت آنها تحت عناوینی چون عرف عقلا و قاعده سلطنت ظاهر شده است. در هر صورت، سیاست دولت‌های اسلامی در پیوستن به

کنوانسیون‌های حمایت از حقوق فکری نشان دهنده رویکرد این دولت‌ها بر مبنای همگامی با گرایش عام فقهی است، هر چند، هنوز بسیاری از فقهای شیعه و سنی در تأیید مشروعیت این حقوق تردیدهایی دارند.



* قرآن کریم.

۱. آل بحر العلوم، سید محمد، «بلغه الفقيه»، نشر مکتبه الصادق للمبوعات، تهران ۱۳۶۲.
۲. السان، مصطفی، (۱۳۸۷) «جرائم علیه اسرار تجاری»، فصلنامه حقوق (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران) دوره ۳۸: شماره ۴، زمستان، (ص. ۲۳-۱)، سایت دسترسی: <http://jqlq.ut.ac.ir>.
۳. امانی، تقی، (۱۳۸۷) «قوانین و مقررات حقوق مالکیت فکری اعم از ملی و بین المللی»، انتشارات بهنامی، تهران، چاپ دوم، سایت دسترسی: <http://jqlq.ut.ac.ir>.
۴. امیدی فرد، عبدالله، (۱۳۸۵) «حقوق فکری از منظر فقه»، نشریه مقالات و بررسی‌ها دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، دفتر ۸۰، تابستان، (ص ۶۰-۳۳)، سایت دسترسی: <http://jqlq.ut.ac.ir>.
۵. باقری، محمود؛ گودرزی، مریم (۱۳۸۸) «مقایسه نظام حمایتی اسرار تجاری و نظام حق اختراع»، فصلنامه حقوق (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، دوره ۳۸: شماره ۲، بهار، (ص ۶۲-۴۱)، سایت دسترسی: <http://jqlq.ut.ac.ir>.
۶. بجنوردی، سید محمد حسن، «القواعد الفقهیه» (تصحیح محمد مهریزی و محمد حسن درایتی) انتشارات الهادی، قم ۱۴۱۹ ه.ق.
۷. جعفری تبار، حسن، (۱۳۸۶) «ملک معنا در کنار: گفتاری در فلسفه حقوق مالکیت فکری» فصلنامه حقوق (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، دوره ۳۷: شماره ۲، تابستان، (ص. ۸۲-۴۱)، سایت دسترسی: <http://jqlq.ut.ac.ir>.
۸. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، «ترمینولوژی حقوق»، کتابخانه گنج دانش، تهران ۱۳۷۷ چاپ نهم.
۹. _____ ، _____ ، «الفارق: دایره المعارف عمومی حقوق»، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ نخست، ۱۳۸۶.
۱۰. _____ ، _____ ، «حقوق اموال: دوره متوسط شرح قانون مدنی» (جلد اول: تقریرات درس حقوق مدنی در مدرسه عالی قضایی قم)، انتشارات مشعل آزادی، تهران ۱۳۵۶.
۱۱. حسینی شیرازی، سید صادق، «المسائل الاسلامیه مع المسائل الحدیثه» (فقه فتوایی)، منشورات رشید، قم، ایران ۱۴۲۷ ه.ق.

۱۲. حسینی روحانی قمی، سید صادق، «المسائل المستحدثة»، قم، ایران، ۱۴۲۳ ه.ق.
۱۳. حکیمی، محمد رضا، «الحيات»، چاپ دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران ۱۳۶۷.
۱۴. موسوی خمینی، روح الله، «تحریر الوسیله» چاپ کتابخانه اعتماد، تهران ۱۴۰۳ ه.ق.
۱۵. _____، _____، «کتاب البیع» مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران، ۱۴۲۱ ه.ق.
۱۶. محمد زاده وارقانی، علیرضا (۱۳۸۷) «تأملی در آثار مشترک و جمعی در حقوق مالکیت فکری»، فصلنامه حقوق (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، دوره ۳۸: شماره ۲، تابستان ۱۳۸۷، (ص ۳۳۸-۳۳۵)، سایت دسترسی: <http://jllq.ut.ac.ir>.
۱۷. مراغی، سید میر عبدالفتاح بن علی حسینی، «العناوین الفقهیه»، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم ۱۴۱۷ ه.ق.
۱۸. مشکینی، آیه الله میرزا علی، «اصطلاحات الاصول و معظم ایحاثها»، چاپ دفتر نشر الهادی، قم ۱۳۶۷ (۱۴۰۹ ه.ق).
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، «القواعد الفقهیه»، مدرسه امام امیر المؤمنین (ع)، قم ۱۴۱۱ ه.ق.
۲۰. _____، _____، «استفتائات جدید» (تصحیح و تعلیق ابوالقاسم علیان نژادی) انتشارات مدرسه امام علی بن ابیطالب (ع)، قم ۱۴۲۷ ه.ق.
۲۱. منتظری، حسینعلی، «نظام الحکم فی الاسلام»، نشر سرابی، قم ۱۴۱۷ ه.ق.
۲۲. _____، _____، «رساله استفتائات» (فقه فتوایی)، قم ۱۴۱۷ ه.ق.
۲۳. نجفی (کاشف الغطاء)، محمد حسین ابن علی بن محمد رضا، «تحریر المجله»، چاپ المکتبه المرتضویه، چاپ افست کتابفروشی فیروز آبادی، قم ۱۳۵۹.
۲۴. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، «عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام»، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم ۱۴۱۷ ه.ق.
۲۵. هاشمی شاهرودی، سید محمود؛ و دیگران، «فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام»، مؤسسه دایره المعارف فقه اسلامی، قم ۱۴۲۶ ه.ق.

26- Balganes, Shyamkrishna (2002) "Debunking Bkackstonian Copyright", The Yale Law Journal, No. 118 pp. 1126-1181 available at: <http://yalelawjournal.org>

27- Khoury, Amir H. (2003) "Ancient and Islamic Sources of Intellectual Property Protection in the Middle East: A Focus on Trademarks", The Intellectual Property Law Review (IDEA) Vol. 43 pp. 151-183 available at: <http://law.unh.edu/ip-law-review>

28- Kinsella, N. Stephan (2001) “**Against Intellectual Property**”, Journal of Libertarian Studies (LUDWIG VON MISES INSTITUTE) Vol. 15 No. 2, pp 1-53 Available at: <http://mises.org>

29- Lee, Peter (2004) “**Patents, Paradigm Shifts and Progress in Biomedical Science**”, The Yale Law Journal. Vol. 114 pp. 659-694 available at: <http://yalelawjournal.org>

Martin, Elizabeth A. (Editor) “**Oxford Dictionary of Law**”, Oxford University Press, UK 1997

30- Miller, Arthur A.; Davis, Michael H. (1990) “**Intellectual Property: Patents, Trademarks, and Copyrights in a Nutshell**”, 2nd Ed. St. Paul, Minn.: West Publishing 1997

31- Nguyen, Xuan-Thao; Maine, Jeffery A. (2011) “**The History of Intellectual Property Taxation: Promoting Innovation and Other Intellectual Property Goals**”, SMU Law Review, vol. 46 pp. 103-161 available at: <http://smulawreview.law.smu.edu/Home.aspx>

32- Palmer, Tom G. (1990) “**Are Patents and Copyrights Morally Justified? The Philosophy of Property Rights and Ideal Objects**” (In Symposium: Intellectual Property), Harvard Journal of Law and Policy, Vol. 13 No. 3 p. 818 available at: <http://www3.law.harvard.edu/journals/hlpr/>

33- Raslan, Heba A. (2007) “**Shari’a and the Protection of Intellectual Property: The Example of Egypt**”, The Intellectual Property Law Review (IDEA) Vol. 43 No. 4 pp. 497-559 available at: <http://law.unh.edu/ip-law-review>

34- Sell, Susan (2004) “**Intellectual Property and Public Policy in Historical Perspective: Contestation and Settlement**”, Loyola of Los Angeles Law Review, Fall 2004, vol. 38 pp. 267-322 available at: <http://digitalcommons.lmu.edu/llr/>

45- Smith, Henry A. (2007) “**Intellectual Property as Property: Delineating Entitlement in Information**”, The Yale Law Journal, Vol. 116 pp. 1744-1822 available at: <http://yalelawjournal.org>